

مجلس دهم



گنج های
قدیمی



گنج دهم

همسایه داری

ستاد امریه معروف و نهی از منکر مازندران
معاونت تبلیغ حوزه علمیه مازندران

فهرست

- گنج دهم : همسایه و همسایه داری ۳
- توجه علامه بحرالعلوم(ره) به همسایه فقیر..... ۳
- اهمیت همسایه در قرآن ۴
- اهمیت همسایه در روایات ۵
- اول همسایه ۶
- وصیت معصومین به همسایه ۷
- تحمل همسایه بد ۹
- حرمت همسایه ۱۱
- احترام همسایه بد..... ۱۲
- صبر بر همسایه بد ۱۳
- حق همسایه چیست؟ ۱۳
- همسایه لاابالی..... ۱۵
- همسایه مطرب آیت الله حق شناس ۱۸
- برخی آثار همسایه آزاری ۲۱



گنج دهم : همسایه و همسایه داری

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از گنج های قدیمی که در گذشته بود احترام به همسایه و رعایت حقوق همسایه و رعایت حال او بود.

قطعا توجه به همسایه مورد تاکید اسلام هست و در قدیم خیلی مورد توجه قرار می گرفت. اطلاع داشتن از اوضاع همسایه خیلی مهم است

توجه علامه بحرالعلوم(ره) به همسایه فقیر

مرحوم سیدجواد عاملی صاحب مفتاح الکرامه از شاگردان علامه سیدمهدی بحرالعلوم(ره) بود.

شبی موقع صرف شام، علامه بحرالعلوم (ره)، سید را به منزل خویش احضار کرد و وقتی شاگرد به منزل استاد رسید، دید استاد کنار سفره نشسته و دست به غذا نمی زند. علامه بحرالعلوم با خشم شاگرد را مورد عتاب قرار داده و فرمود: سیدجواد! از خدا نمی ترسی، از خدا شرم نداری؟ شاگرد که متحیر مانده بود، تقصیر خود را از استاد جویا شد؟ ظاهراً

سیدجواد عاملی، همسایه‌ای داشت که هفت شبانه‌روز چیزی برای خوردن نداشته‌اند و خرما از بقال قرض کرده بودند و روز هفتم دیگر بقال به او قرض نداده و او شرمند شده بود. شاگرد اظهار بی‌اطلاعی کرد! علامه او را مورد توبیخ قرار داد که: «همه داد و فریادهای من برای این است که چرا اطلاع نداشتی؟ وگرنه، اگر باخبر بودی و کمک نمی‌کردی، مسلمان نبودی و یهودی بودی». سپس سینی غذای بزرگی را که آماده کرده بود، با مقداری پول به شاگرد داد، تا به همسایه‌اش برساند.^۱

اهمیت همسایه در قرآن

در قرآن کریم آیاتی مربوط به همسایه و همسایگی وارد شده است. خداوند متعال در آیه‌ای به گونه‌ی آشکار مؤمنان و مسلمانان را به رعایت همسایگان دعوت می‌نماید و می‌فرماید: «و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک نگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و درباره‌ی خویشان و یتیمان و مستمندان و

^۱ - سیمای فرزندان / ۲۵۲ / پایگاه حوزه نت



همسایه ی خویش [و قوم] و همسایه ی بیگانه و همنشین و در
راه مانده و بردگان خود نیکی کنید.»^۱

در این آیه دیده می شود که خداوند نیکی با همسایه را، خواه
فامیل باشد و یا بیگانه، سفارش کرده و نیکی به همسایه را در
ردیف نیکی به پدر و مادر، یتیمان و... قرار داده است.

در آیه ۱ ی دیگر، خداوند در مورد همسایگان رسول خدا(ص)
که وی را آزار می دادند می فرماید:

«اگر منافقان و کسانی که در دل های شان مرضی هست و
شایعه افکنان در مدینه [از کارشان] باز نایستند تو را سخت بر
آنان مسلط می کنیم تا جز (مدت) اندکی در همسایگی تو
نپایند.»^۲ و این گونه خداوند مهرهمسایه آزاران را از سر پیامبر
اکرم(ص) برمی دارد.

اهمیت همسایه در روایات

شاید پس از شنیدن این احادیث باید تجدید نظری در رابطه
با رفتار با همسایه های مان داشته باشیم چرا که ائمه یکی از

^۱- (نساء/ ۳۶).

^۲- (احزاب/ ۶۰).



شاخصه های سنجش ایمان را رفتار با همسایه دانسته اند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَحْسِنُ مُجَاوِرَةَ مَنْ جَاوَرَكَ ، تَكُنْ مَوْمِنًا» با همسایه ات نیکو همسایه داری کن، تا مؤمن باشی.^۱

همچنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری اینطور می گویند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي جَارَهُ.» هر که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد نباید همسایه خود را آزار دهد.^۲

اول همسایه

نوشته اند شبی امام حسن مجتبی (ع) از صدای مناجات نیمه شب مادر بیدار شد و به اتاق مناجات او رفت و به تماشای نیایش و نیاز او به درگاه خداوند نشست. شب جمعه بود و او به نماز ایستاده بود. اندکی گذشت اما نماز و نیایش مادر ادامه

۱- الأُمّالی للصدوق: ص ۲۰۱

۲- الکافی: ج ۲، ص ۶۶۷، ح ۶



داشت. او پس از هر نماز مؤمنینی را که در همسایگی آنان می زیستند یک یک نام می برد و دعا می کرد.

رفته رفته سحرگاه نزدیک می شد اما او همچنان مشغول دعا و نماز بود و برای همه ی آنان که می شناخت دعا می کرد. پس از نماز صبح برخاست و نزد مادرش فاطمه (ع) رفت و پرسید: «مادر جان! شما برای همه ی مؤمنان و همسایگان دعا کردید، چرا برای خودمان دعایی ننمودید؟» فاطمه (ع) در چهره ی فرزندش حسن (ع) نگرینست و فرمود: «فرزندم، اول همسایه بعد خانه^۱

وصیت معصومین به همسایه

آدمی همواره هنگام مرگ مهم ترین سفارش های خود را به بازماندگان خویش می نماید و آن چه را آرزو یا اهداف خود می انگاشته، در قالب وصیت بازگو می نماید. مواردی از سیره و کلام معصومین (ع) در هنگام درگذشت شان وارد شده است که آنان



نیکی به همسایگان را وصیت خود قرار داده اند. در احوال امیرالمؤمنین(ع) هنگام شهادتش نوشته اند که ایشان فرمود: «خدا را خدا را، در مورد همسایگان تان که به درستی این وصیت پیامبرتان هنگام رحلت است.

همچنین نوشته اند مشکلات زندگی توان از حضرت فاطمه(ع) گرفته بود. تصمیم گرفت نزد پدر بزرگوار خویش برود و از ایشان راهنمایی ای برای بهتر شدن وضع زندگی خویش درخواست نماید. نزد پدر رفت و در کنارش نشست و از سختی و مشکلات زندگی خود با پدر سخن گفت. پیامبر(ص) برخاست و به اتاقی دیگر رفت و دست نوشته ای پیچیده شده برای او آورد. آن را به فاطمه(ع) داد و فرمود: «برای بهتر شدن وضع زندگانی ات آن چه را در این جزوه نوشته بخوان و بدان عمل کن .» فاطمه(ع) دست نوشته را از پیامبر(ص) ستاند و به خانه رفت و آن را گشود . دید در آن سه جمله نوشته شده است که یکی از آن ها این بود: «کسی که به پروردگار و روز رستاخیز ایمان داشته باشد هرگز به همسایه ی خویش آزار نمی رساند.» این موارد به



خوبی بیانگر اهمیت این فضیلت برجسته برای ره روان اهل بیت عصمت (ع) است.

تحمل همسایه بد

یکی از اصحاب امام صادق (ع) به نام «عمروبن عکرمه» همسایه ای داشت که پیوسته از او اذیت و آزار می دید به گونه ای که دیگر از آزار و اذیت هایش به تنگ آمده بود. نزد مولای خود امام صادق (ع) رفت و با ناراحتی عرض کرد: «ای فرزند رسول خدا، همسایه ای دارم که پیوسته مرا آزار می دهد، چه کنم؟» امام با مهربانی به او فرمود: «با او رفتار مهربانانه داشته باش!» او حتی تحمل شنیدن نام همسایه اش را نداشت چه رسد به این که بخواهد با او مهربانی نیز بنماید. با خشم گفت: «خدا او را نیامرزد». امام با شنیدن این جمله از او ناراحت شد و رویش را برگرداند و دیگر با او سخن نگفت. او که دوست دار امام صادق (ع) بود و دوست نداشت امام را با حالت ناراحتی وداع گوید برای توجیه سخن خود گفت: «آخر این همسایه مرا می آزارد و رفتار بدی با من دارد». امام با بی میلی به او فرمود: «آیا تو خیال می کنی اگر تو نیز با او بد رفتاری کنی به حق خود می

رسی؟» عمرو پاسخ داد: «البته! اگر بخواهم حریف او هستم».

امام فرمود: «همسایه ی تو مرد حسودی است و در مورد نعمت هایی که پروردگار از بخشش و مهربانی خود به دیگران می دهد حسادت می ورزد. از این رو اگر آن کسی که دارای نعمت های الهی شده است اهل و عیال داشته باشد او به اهل و عیال او آزار می رساند و اگر اهل و عیال نداشته باشد و خدمت کار داشته باشد به خدمت کار او آزار می رساند و اگر خدمت کار هم نداشته باشد شب ها را تا صبح بیدار می ماند و روزها را با خشم به پایان می رساند.» سپس امام با بیان داستانی از پیامبر اکرم(ص) سخن خود را کامل نمود. امام فرمود: "در عصر رسول خدا(ص) شخصی از انصار و مسلمانان مدینه خدمت رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: «در فلان محله خانه ای خریده ام. در همسایگی آن خانه مردی زندگی می کند که نه به خیر او امیدی دارم و نه از گزند شر او در امان هستم، چه باید بکنم؟» پیامبر خدا(ص) به سلمان و ابوذر و شخصی دیگری که به گمانم مقدار بود فرمود: «به مسجد بروید و با صدای بلند اعلام کنید آن کسی که به همسایه خود آزار برساند ایمان ندارد.» علی(ع) و سلمان و ابوذر

و مقدار به مسجد و اطراف آن رفتند و سه مرتبه این جمله را با صدای بلند اعلام نمودند و به اطلاع مردم رساندند. برای برخی این سؤال پیش آمد که به چه کسی همسایه گفته می شود. پیامبر(ص) با دست خود به چهار سمت خویش اشاره کردند و فرمودند: «از هر یک از این چهار سمت تا چهل خانه، همسایه به شمار می آید»^۱

حُرمت همسایه

یکی از موضوعاتی که فراموش شده است در اجتماع امروز، موضوع حُسن همجواریست. باقر آل محمد علیهم السلام میفرمایند: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ خَوَانِدَمِ فِي كِتَابِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ مِنْ بَعْضِ جُمَلِهِ ؛ أَنَّ لِلجَارِ كَأَنَّفْسٍ غَيْرِ مُضَارٍّ هَمْسَايَه مَانِدِ خُودِ اِنْسَانِ اسْتِ اَز هَرگُونِه زِيَانِ وَ اَسِيْبِ بَايِدِ مَحْفُوظِ بَمَانِدِ . وَ حُرْمَتُ الْجَارِ عَلَى الْجَارِ كَحُرْمَتِ اُمِّهِ . اِحْتِرَامِ هَمْسَايَه بِرِ هَمْسَايَه مَانِدِ حُرْمَتِ مَادِرِ مِيْمَانِدِ ، اِيْنِ حَدِيْثِ شَرِيْفِ رَا نَدِيْدَه بُوْدِمِ اَمْرُوزِ مِي نُوْشْتِمِ . بَرَايِ خُوْدِمِ بُهْتِ اَنْگِيْزِ

^۱ - الاصول من الكافي، ج ۲، ص ۶۶۷.



بود ، که چقدر همسایگان اهمیت دارند و دین ما که دین جامعیت چقدر برای همسایه ارزش قائل است ؟ حرمت همسایه بر همسایه مانند حرمت مادر است . چقدر برای مادرت حرمت قائلی ؟ برای همسایه هم باید حرمت قائل باشی .

احترام همسایه بد

جالب این است که در روایات ما مستثنا هم قائل نشدند ، چون سوالی در ذهن شما الان ممکن است پیش بیاید ؛ آقا مجتمع مسکونی می نشینم ده واحد آپارتمان است پنجاه واحد آپارتمان است ، همسایه ی بغلی فاسق است ، آیا او هم احترام دارد ؟ بله . پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای چند چیز استثنا قائل نشدند . یکی والدین ، فاجرین باشند فاسقین باشند کافرین باشند . باید احترام بگذاری . یکی در ادای امانت ؛

أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَلَوْ فِي الْخَيْطِ وَالْمَخِيطِ ، علی جان ادا کن امانت را چه دهنده ی امانت فاجر باشد چه مومن باشد ولو آن امانت یک نخ و سوزن باشد فی الخیط و المَخِيطِ . استثنا ندارد . یکی صله ی رحم ارحام ، استثنا ندارد ، یکی هم همسایه

استثنا ندارد .

صبر بر همسایه بد

کاظم آل محمد علیهم السلام میفرماید: لَيْسَ حُسْنُ الْجَوَارِ كَفِّ الْأَذَى وَ لَكِنَّ حُسْنَ الْجَوَارِ صَبْرُكَ عَلَى الْأَذَى . این روایت هم بنده ندیده بودم نکته ی لطیفی در روایت دارد . میفرمایند حُسن همسایگی و همجواری این نیست که اذیت نکنی همسایه را ، بلکه حُسن همجواری این است که بر آزار و اذیت همسایه صبر کنی. معمولا ما می گوئیم حُسن همجواری ، این نکته را بهش توجه نداریم . اما حضرت میفرمایند : همسایه ای همسایه ی خوب است که بر آزار همسایگان صبر کند .

حق همسایه چیست؟

در رساله الحُقوق زین العابدین علیه السلام میفرمایند : **و** **أَمَّا حَقُّ جَارِكَ فَحِفْظُهُ غَائِبًا وَ إِكْرَامُهُ شَاهِدًا** ، حق همسایه ی تو به گردن تو این است در زمانی که غایب است حرمت او را حفظ کنی، رفته مسافرت مراقب خانه اش باشی ، اگر صدایی آمد توجه داشته باشی ، خدایی نکرده دزدی به خانه اش نزند خانه اش آسیبی نبیند ، خدایی نکرده شیرآبی و نمانده باشد ، خدایی نکرده حادثه ای برای خانه ی آنها پیش نیاید . چیزی برایش

امانت آوردند ولو یک روزنامه باشد حفظ کنید روزنامه اش را نگه دارید وقتی آمد بهش بدهید . در غیابش او را حفظ کنی وقتی که نیست کسی خواست غیبتش را بکند جلو غیبتش را بگیری . وقتی هم که هست او را گرامی بداری ، **و نُصِرْتُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا** ، اینها دستور اخلاقی دین است که روعایت نمیشود . هیچکدام ما نوعا رعایت نمی کنیم . ببین چه دستوراتی دادند برای همسایه ؟

اگر همسایه ات مظلوم واقع شد ، وظیفه ات چیه ؟ یاری اش کنی ، عیسی به دین خود موسی به دین خود ، به من ربطی ندارد ، مظلوم واقع شده حقش تضییع شده ، گرفتار است تو هم میتوانی همسایه را کمکش کنی، وظیفه ات این است که همسایه ی خود را اگر مظلوم واقع شده بر علیه ظالم مددش کنی .

وَلَا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَتًا همسایه ات عیبی دارد تو هم فهمیدی ، عیب او را شایع نکن . آبروی او را نبری، عیبش را پخش نکنی . تو همسایه ی او هستی . نقصی ازش دیدی ، عیبی ازش دیدی ، وظیفه نداری این را پخش کنی . خدایی نکرده یک حرکت خلاف از

همسایه ات دیدی وظیفه نداری بروی ده تا آپارتمان دیگر هم که توی مجتمع هستی اینها را هم دانه دانه بهش بگویی که ایشان این عیب را دارد . آبرویش را ببری و او را رسوایش کنی . فَإِن عَلِمْتَ عَلَى الشُّوْءِ سَتَرْتُهُ عَلَيْهِ . بدی دیدی بپوشانی و **أَنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ يَقْبَلُ نَصِيحَةَ نَصِيحَتُهُ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ** اگر تشخیص دادی که آدم نصیحت پذیری است ، بین خودت و او دیگران نفهمند علنی نباشد بروی عیب او را بهش تذکر بدهی ، او را نصیحتش کنی ، موعظه پذیرش کنی.^۱

همسایه لابلالی

در حالات علامه ی مجلسی اول رضوان الله تعالی علیه ملا محمد تقی اعلی الله مقامه ، نقل می کنند که : یکی از دوستانش بهش رجوع کرد ، گفت من یک همسایه ی لابلالی

^۱ - رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «فِي حُقُوقِ الْجَارِ: إِنْ اسْتَعَاكَ أَعْتَنَّهُ وَإِنْ اسْتَقْرَضَكَ أَقْرَضْتَهُ وَإِنْ افْتَقَرَ عُدْتَ عَلَيْهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ عَزَيْتَهُ وَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ هَنَيْتَهُ وَإِنْ مَرِضَ عُدْتَهُ وَإِنْ مَاتَ اتَّبَعْتَ جَنَائِزَهُ وَلَا تَسْتَطِلْ عَلَيْهِ بِالْبِنَاءِ فَتَحْجُبَ عَنْهُ الرِّيحُ إِلَّا بِإِذْنِهِ...»

حق همسایه بر تو این است که اگر از تو کمک خواست کمکش کنی، اگر از تو قرض خواست به او قرض دهی، اگر نیازمند شد نیازش را برطرف سازی، اگر مصیبتی دید او را دلداری دهی، اگر خیری به او رسید به وی تبریک گویی، اگر بیمار شد به عبادتش روی، وقتی مرد در تشییع جنازه اش شرکت کنی، خانه ات را بلندتر از خانه او نسازی تا جلوی جریان هوا را بر او بگیری مگر آن که خودش اجازه دهد. ...

«مسکن الفوائد، ص ۵»

دارم ، سبب آزار و اذیت من است ، شبها رفقاییش را می آورد بزم قمار و شراب و آلودگی دارد ، از صدای لهو لعب او من شبها تا صبح نمی خوابم . علامه تو صاحب نفسی یک فکری بکن من را نجات بده . علامه ی مجلسی رضوان الله علیه فرمودند: برو همسایه ات را برای شام دعوت کن. این هم رفت پیش این همسایه ی آلوده ، گفت آقا فرداشب شام بیا منزل ما ، گفت بسیار خوب تو هم فهمیدی که دور و بر این آخوندها خیری نیست آمدی خلاصه تو جرگه ی ما لاتها و الواتها، گفت حالا . گفت آقا من فرداشب بیایم با دارو دسته ام میایم ها ؟ ما یک ایلیم یک طایفه ایم همه مان باهم دیگر جایی می رویم . گفت باشد همه تان بیایید .

علامه ی مجلسی رضوان الله علیه آمده بودند نشستند بودند ، این بنده خدا هم آمد با دارو دسته اش به قول قدیمی ها سبیل در سبیل نشستند و تا این آخوند را دید ناراحت شد ، عصبانی شد که این آخونده به تیپ ما نمی خورد ، یک کاری بکنیم اول این را بیرونش کنیم. این وصله ی ناجور مجلس ماست . گفت آقا شیخ ، فرمودم: بله . گفت : بین ما لاتها یک

صفات خوبی داریم شما ملاها ندارید . فرمودند که خب بفرمایید
صفات خوب شما چیه ؟ گفت یکی از صفات خوب ما لاتها این
است ، اگر نمک کسی را خوردیم نمکدان نمی شکنیم . علامه
فرمودند : نه من قبول ندارم که شما چنین صفت خوبی داشته
باشید ، گفت چرا . مشهور است بین لاتها . ما با کسی رفاقت
نمی کنیم نمک نمی خوریم اگر خوردیم هم نمکدان نمی شکنیم
علامه مجلسی فرمود اصلا قبول ندارم شما چنین صفت
خوبی داشته باشی . یک مرتبه عربده کشید که : دلالت چیه
آشیخ ؟ به چه دلیل این حرف را میزنی ؟ خوب آماده اش کرد
برافروخته اش کرد ، دیدی اینهایی که حجامت می کنند فصد می
کنند ها ؟ اول قشنگ بدن را آماده می کند بعد بیشتر را می زند
. بعد تیغ را می زند . گفت : تاحالا نمک خدا را خوردی ، تاحالا
نمک خدا را خوردی . سرش را انداخت پایین و رفت . فردا صبح
آمد پیش این همسایه گفت آقا من غسل توبه کردم می شود
من را ببری پیش آقای دیشبی؟ یک جمله گفته خواب را از چشم
من گرفته ، راست می گوید . من یک عمری نمک خدا را خوردم و
نمکدان شکستم و معصیت خدا کردم .

با یک کلمه نصیحت تاثیر میگذارد . لذا حضرت میفرمایند
که اگر میدانید که نصیحت پذیر است ، خب یواشکی آرام
نصیحتش کن . فلانی تو جوانی من هم جوانم ، حیف است که تو
رفیقه‌هایت را می آوری تو خانه ، در حالیکه ناموس جوان داری .
می نشینید دور همدیگر نوار می گذارید می رقصید کار زشت می
کنید . خدایی نکرده ممکن است ناموس تو در بین دوستانت
آسیب ببیند .

همسایه مطرب آیت الله حق شناس

خاطره ای یادم آمد از مرحوم آیت الله حق شناس رحمت الله
علیه . ایشان برای حقیر گفتند شاید حدود چهل سال پیش،
فرمودند ما در قم که درس می خواندیم ، همسایه ای داشتیم
شبها تار میزد ، استاد تار و هنر موسیقی بود . یک دیوار بود بین
ما و او . آن شب می خواستیم مثلا مطالعه کنیم ، مکاسب
بخوانیم درسمان را آماده کنیم که صبح می خواهیم برویم مثلا
به شاگردها درس بدهیم آمادگی داشته باشیم . ایشان هم
شروع می کرد دلی دلی زدن . میزد و ول هم نمیکرد . مُخِلِّ
مطالعه مان میشد . صدای تار او مطالعات مارا تعطیل میکرد .

از هر دری هم وارد شدیم نشد . یک شب آخر شب در خانه را زدند . رفتم پشت در دیدم که زن همین تار زن هست همسایه . به حاج خانوم گفتم ببین چکار دارد این موقع شب ؟ همسرم رفت و آمد گفت می گوید برای ما مهمان ناخوانده آمده آخر شبی ، چیزی تو خانه نداریم شما چیزی دارید بدهید ما حفظ آبرو کنیم مرحوم آقای حق شناس فرمودند : بهش گفتم معطلش نکن امشب شبش است . هرچی داریم بده . ماهم هرچه داشتیم ، شیرینی داشتیم میوه داشتیم خلاصه این آبرویش را آن شب برگزار کرد . فردا شوهرش را تو کوچه دیدم ، گفت آقا میرزا کریم ، گفتم بله ، گفت بخدا اگر آیت الله بروجردی رضوان الله علیه به من امر کند که تار زن گوش به حرفش نمی دهم ، اما این کاری که تو دیشب کردی آبروی ما را جلوی این مهمان ناخوانده حفظ کردی ما دیشب تارمان را شکستیم شیخ، دیگر تار نمی زنیم .

بدی ها را در همسایگان با محبت جبران کنید ، بنده تجربه کردم ؛ چهار طبقه ای پنج طبقه ای شروع کن به اینها محبت کردن . امیرالمومنین سلام الله علیه فرمود **قلوب الرجال**

وَحْشِيَّةٌ قلبهای مردان رَمنده است وحشی است ، هرکس به اینها محبت کند بهش رو می آورند . مهمانی دادی یک ظرف غذا در خانه ی همسایه ببر . نگو این زنش بی حجاب است به او غذا نمیدهم . نه اینکار را نکن اشتباه می کنی، خیلی خشک مقدس های ما قافیه را باختند نمدانند بعضی از خشک مقدس ها نمیدانند چه بکنند ؟ از محبت خارها گل میشود . واقعا تاثیر دارد .

من گاهی پیش آمده در جمعی قرار گرفتم ، طرف می گفت من ارادتی اصلا به روحانی ندارم ، با یک محبت جزئی چنان جذب شدند که مثلا علنا می گوید : حاج آقا من هیچ آخوندی را قبول ندارم اما به جدت می میرم برای تو ، کاری هم برایش نکردیم ، یکبار یک گرهی داشته به من مراجعه کرده حالا ماهم مثلا یک رفیقی داشتیم گرهش هم غیر قانونی نبوده سفارش کردیم کارش درست شد . این دیگر مجذوب شد ، پای منبر نمی رود مطلقا ، خدا می داند شب قدر می آید اینجا . می گوید هیچی را



من قبول ندارم هم لباسی های تو را اما تو را قبول دارم . فقط
بخاطر یک ذره محبت.^۱

برخی آثار همسایه آزاری

نرمش نشان دادن با همسایه آثار و برکات فراوانی دارد. از جمله ی آن، جا گرفتن در دل مردم است. امام علی(ع) فرمود:
«هر کس با همسایه خوش رفتاری کند خدمت گزاران او زیاد می شوند.» از دیگر آثار همسایه داری رونق گرفتن محله ها و شهرهاست. امام صادق(ع) فرمود: «همسایه داری، شهرها را آباد می کند و ساختمان ها را زیاد می نماید زیرا مردم نسبت به همسایه داشتن ترغیب می شوند.»

اما از سوی دیگر آزدن همسایه نیز تبعات بدی به دنبال خواهد داشت، تا جایی که امام رضا(ع) فرمود: «از ما نیست کسی که همسایه اش از آزار او در امان نباشد.»

در این باره نوشته اند روزی فردی عرب نزد امام صادق(ع) رفت و در مورد ارتباط با همسایه از امام پرسید. امام برای او که

^۱ - از بیانات استاد حجت الاسلام هاشمی نژاد

کاهلی نام داشت و از شاگردانش بود داستانی نقل کرد. امام فرمود: "برادران یوسف(ع) او را از یعقوب(ع) جدا کردند و به چاه افکندند و پس از مدتی برادر تنی او «بنیامین» را نیز به بازار مصر بردند و به عنوان برده فروختند. یعقوب(ع) در حسرت آن دو بسیار گریست تا چشمانش نابینا شد. روزی با سوز دل به درگاه پروردگار عرض کرد: «بارالها! آیا به من رحم نمی کنی؟ چشمانم را که در حسرت دیدار فرزندانم گرفتی و بین من و آن ها جدایی انداختی!» پروردگار به یعقوب(ع) وحی کرد: «حتی اگر یوسف و بنیامین را میرانده باشم برای تو زنده خواهم نمود تا شما را به هم برسانم. اما آیا تو نیز به یاد می آوری که روزی گوسفندی ذبح کردی و بریان نمودی و با هم خوردید اما به فلانی و فلانی که در همسایگی تو بودند چیزی از گوشت آن ندادی؟» یعقوب(ع) دانست که این مصیبتی که به آن دچار شده، برخاسته از مراعات نکردن حال همسایگان خود است. از آن پس یعقوب(ع) هر روز که غذایی درست می کرد فرزندانش را تا

فاصله ی دوری می فرستاد که هر کس غذا نخورده است، به
خانه ی یعقوب بیاید^۱."

^۱ - فرهنگ همسایه داری در اسلام، پیام زن، اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰، شماره ۲۳۰. پایگاه اهل
بیت / محمد بن علی، ابن بابویه، *علل الشرایع*، ج ۱، ص ۴۵-۴۶، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول،
۱۳۸۵ش.